

Designing an Optimal Model for the Implementation of Government's Social Functions: A Governance Approach

Mohammadreza Salary¹ Ph. D. Student Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Naser Hamidi² Associate Professor Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran (Corresponding Author).

Gholamreza Memarzadeh Tehran³ Associate Professor Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Received: 13/07/2020 | Accepted: 08/03/2021

Abstract

Purpose: Optimal implementation of government's social functions, which can lead to the development of the country, is the most important pillar of governance. With regard to this fact, the purpose of the present research is to design an optimal model for social duties of the Iranian Government.

Methodology: The research was performed based on mixed method in terms of the data gathering. In the qualitative section, the statistical population included academic and organizational experts in the field of public administration. Data were collected by studying theoretical foundations and interviews were administered through focus groups. In the quantitative section, the statistical population included managers, deputies and employees of public, private and non-governmental organizations. Data were collected by questionnaires. To design the qualitative research model, fuzzy inference system was used.

Findings: Results show that promoting social functions at individual, organizational and social levels can lead to the optimization of social goals of the Iranian Government. It is also concluded that social affairs at individual level has a greater impact on the optimal implementation of government social functions than the other two levels. Individuals play a pivotal role in the civil society.

Originality/ value: Taking the type of social functions into consideration and focusing on appropriate planning are necessary to mobilize social functions.

Recommendations: Finally, it is suggested that given the basic role of civil society in the social functions, it should get more emphasis.

Keywords: Governance, Social Duties, Level of Governance Action; Governance Players, Hierarchical Fuzzy Inference.

1. mrs1211@qiau.ac.ir

2. nhamidi@qiau.ac.ir

3. govmanagement@srbiau.ac.ir

عنوان مقاله: طراحی مدل بهینه انجام وظایف اجتماعی دولت با رویکرد حاکمیتی

محمدرضا سالاری^۱، ناصر حمیدی^۲، غلامرضا معمارزاده طهران^۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳
پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

چکیده:

هدف: انجام بهینه وظایف اجتماعی مهم‌ترین رکن حاکمیت دولت است، به گونه‌ای که به رشد کشور منجر شود. هدف پژوهش، طراحی مدل بهینه وظایف اجتماعی دولت ایران است. **طرح پژوهش / روش‌شناسی / رویکرد:** پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها، آمیخته است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی در حوزه مدیریت دولتی است. داده‌ها از طریق بررسی میان‌نظری استخراج شدند و با تشکیل گروه کانونی از خبرگان صاحب‌کیفی انجام گرفت. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران، معاونان، و کارکنان سازمان‌های دولتی، خصوصی و مردم‌نهاد است. داده‌ها به وسیله پرسشنامه گردآوری شدند و به منظور طراحی مدل کمی از سیستم استنتاج فازی بهره گرفته شد.

یافته‌ها: ارتقای امور اجتماعی در سطوح فرد، سازمان، و سیستم به بهینه شدن وظایف اجتماعی دولت ایران منجر می‌شود. امور اجتماعی در سطح فرد بیش‌تر از سطوح دیگر بر انجام بهینه وظایف اجتماعی دولت اثرگذار است. در سطح فرد، جامعه مدنی نقش محوری داشته است. **ارزش / اصالت پژوهش:** در این پژوهش روشن می‌شود که لحاظ نمودن نوع وظایف اجتماعی و تمرکز بر برنامه‌ریزی مناسب لازمه پیشبرد وظایف اجتماعی است. **پیشنهاد‌های اجرایی / پژوهشی:** پیشنهاد می‌شود بیش‌تر بر جنبه جامعه مدنی به دلیل نقش محوری آن در وظایف اجتماعی تمرکز شود.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت، وظایف اجتماعی، سطح کنش حاکمیتی، نقش آفرینان حاکمیت، استنتاج فازی سلسله‌مراتبی.

۱. دانش‌آموخته دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

mrs1211@qiau.ac.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

nhamidi@qiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

govmanagement@srbiau.ac.ir

به‌طور معمول، دولت‌ها با طیف گسترده‌ای از وظایف و نیازها روبه‌رو هستند. بحث در مورد این‌که وظایف دولت^۱ از چه اموری تشکیل می‌شود مهم است، زیرا تعیین می‌کند که آن وظیفه باید توسط دولت انجام شود یا می‌تواند به بازیگران غیردولتی (مانند جامعه مدنی، شرکت‌های خصوصی، سازمان‌های حرفه‌ای یا سازمان‌های مذهبی) واگذار شود (Lee, 2010). فعالیت‌های پیچیده دولت در قالب مفهوم حاکمیت تنظیم شده است (Donath et al., 2009). حاکمیت به مجموعه‌ای از نهادها و بازیگران اشاره دارد که برای اداره اثربخش و کارآمد امور کشور با یکدیگر مشارکت و همکاری می‌کنند (Keping, 2018). دیدگاه‌های مختلفی در زمینه وظایف دولت وجود دارد که به‌طور عمده می‌توان آن را به سه دسته شامل قائل بودن نقش کم‌رنگ برای دولت، قائل بودن نقش پررنگ برای دولت، و نقش متناسب برای دولت تقسیم نمود (Xiang, 2020). انجام وظایف دولت با تعامل نقش‌آفرینان دولتی، بخش خصوصی، و جامعه مدنی می‌تواند نوعی از حاکمیت را ایجاد نماید که به‌نحوی بهترین شکل از اجرای وظایف را به نمایش بگذارد (Bevilacqua et al., 2020). با توجه به نقش مهم امور اجتماعی در پیشرفت کشورها، وظایف اجتماعی از جمله مهم‌ترین وظایف دولت به‌شمار می‌آید. دولت‌ها در سال‌های اخیر نقش کلیدی در زمینه اقدام‌های اجتماعی همچون افزایش سلامت و رفاه اجتماعی، بهبود چشم‌انداز شغلی عموم افراد جامعه، و ایجاد امکانات زندگی برای جوانان داشته‌اند. ارائه خدمات شهروندی بین‌المللی را هم می‌توان به اقدام‌های اجتماعی دولت افزود. حمایت از بخش خصوصی، خدمات قانونی، و جامعه مدنی نیز از جمله فعالیت‌های اجتماعی دولت محسوب می‌شوند (Deeming, 2016). در صورت بروز مشکل در ارائه خدمات اجتماعی ممکن است مردم جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند و جامعه و کشور از مسیر رشد و توسعه منحرف شود (بیان، ۱۳۶۹). دولت‌ها با مداخله زیاد در اجرای امور اجتماعی باعث ارائه ناکارآمد خدمات اجتماعی می‌شوند و اثربخشی ارائه خدمات اجتماعی را با مشکل مواجه می‌سازند و در نتیجه ممکن است باعث متضرر شدن جامعه و مردم شوند (Du et al., 2018). بنابراین، دولت‌ها باید تا حد مناسبی در امور اجتماعی وارد شوند و برای انجام امور اجتماعی از نقش سایر بازیگران حاکمیتی نیز بهره‌جویند و نقش‌هایی را نیز برای آنان قائل شوند (Herrera, 2015).

1. State

با مطرح شدن الگوهای نوین حاکمیتی، در خصوص سهم و نقش بخش‌های دولتی، خصوصی، و بخش سوم در خصوص انجام وظایف اجتماعی اختلاف نظر وجود دارد (Ventriss *et al.*, 2019). به دیگر سخن، میزان دخالت نقش‌آفرینان در انجام وظایف اجتماعی و نوع حاکمیت متناسب با آن از مهم‌ترین مسائلی است که برای اجرای هرچه بهتر وظایف اجتماعی مطرح شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان مدیریت در خصوص میزان دخالت دولت در امور هم‌نظر نیستند و در مجریان خطامشی نیز این اختلاف‌ها دیده می‌شود و هر یک از آن‌ها میزانی از این اثرگذاری و سطح حاکمیت را در جهت داشتن بهترین سطح عملیاتی اجرا مد نظر قرار می‌دهد (Qiao *et al.*, 2019). روندهای آینده مدیریت دولتی اهمیت حکمرانی را برجسته می‌کند و نقش‌های متفاوتی را برای بخش خصوصی، جامعه مدنی، و بخش عمومی به رسمیت می‌شناسد (علوی، ۱۳۶۸). از آن جایی که مردم به دنبال دریافت و کسب بهترین خدمات هستند و از این میان می‌توانند هر یک از ارائه‌دهندگان خدمت را انتخاب کنند و با توجه به این که افزایش اندازه دولت‌ها هزینه‌های بیش‌تری را به مردم تحمیل می‌کند و گاه دولت‌ها را در ارائه خدمات با مشکل مواجه می‌سازد، تمایل به انجام وظایف دولت توسط بخش خصوصی و جامعه مدنی هم در بین دولتی‌ها و هم مردم و سایر بازیگران اجرای خطامشی وجود دارد. ولی میزان این مداخلات و حد و مرز آن‌ها و نوع و کیفیت و کمیت خدمات در هر یک از حالت‌ها متفاوت بوده و اختلاف نظر در این زمینه همیشه وجود داشته است (Bryson & George, 2020). البته رابطه بین سطح واگذاری و مشارکت‌ها و میزان حاکمیت دولتی مقوله‌ای است که در ادبیات نظری کم‌تر به آن پرداخته شده است (الوانی و مبصر، ۱۳۹۲). بنابراین، پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن طرح وظایف اجتماعی، سطح و نوع مداخله هر یک از نقش‌آفرینان و بازیگران را در انجام بهینه وظیفه اجتماعی مشخص کند و این که در چه نوع و سطح حاکمیتی می‌توان انتظار بهترین اجرای وظایف را توسط هر یک از این نقش‌آفرینان داشت. از این‌رو، انجام پژوهشی در زمینه میزان مداخله بازیگران حاکمیتی در انجام امور اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

وظایف دولت

دولت یک سازمان سیاسی با یک حکومت متمرکز است که انحصار استفاده مشروع از قدرت را در یک قلمرو خاص بر عهده دارد (Cudworth *et al.*, 2007). دولت‌بودگی، اصطلاحی

است که به ظرفیت دولت برای انجام وظایف اساسی اشاره دارد (Ilyin et al., 2012). مطابق مدل دولت‌بودگی، وظایف اساسی دولت‌ها به این شرح قابل طبقه‌بندی است: امور اجتماعی؛ امور اقتصادی؛ امور سیاسی؛ و امور سیاسی - نظامی. البته در خصوص تعریف وظایف اساسی دولت میان اندیشمندان و دولتمردان اختلاف نظر وجود دارد. همان‌طور که کوک^۱ (۱۹۴۸) اشاره می‌کند، وظیفه سنتی دولت جلوگیری از خشونت در جامعه و برقراری نظام اثربخش حقوق جزایی بود. بعدها، با گسترش تجارت و مطرح شدن نظریه‌هایی مانند نظریه قرارداد اجتماعی، وظایف دولت به عنوان کارگزار تامین اجتماعی ارتقا یافت. امروزه، حدود مداخله دولت به شدت با نوع حکومت گره خورده است که در یک پیوستار از بیش‌ترین مداخله تا کم‌ترین مداخله پوشش داده می‌شود. وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص در اصل سوم و همچنین دیگر اصول مرتبط مشخص شده است. علاوه بر قانون اساسی، قوانین موضوعه نیز به‌طور مستقیم یا ضمنی، وظایف اساسی دولت را تعریف کرده‌اند. طبق قانون مدیریت خدمات کشوری^۲، دستگاه‌های اجرایی موظف هستند که به تحقق سه دسته وظایف (امور اجتماعی، فرهنگی و خدمات؛ امور زیربنایی؛ و امور اقتصادی) پردازند. قوانین بودجه سالانه نیز وظایف دولت را در قالب امور پنج‌گانه مشخص کرده است: امور عمومی؛ امور دفاعی و امنیتی؛ امور اجتماعی و فرهنگی؛ امور اقتصادی؛ و امور متفرقه.

وظایف اجتماعی

دولت‌ها نقش مهمی در ایجاد یکپارچگی اجتماعی ایفا می‌کنند و یک سیستم اجتماعی معتبر را ایجاد می‌نمایند. یکپارچگی اجتماعی، نوعی ویژگی رفتاری به منظور تعاملات اجتماعی بلندمدت میان افراد جامعه است (Du et al., 2018). آن‌ها از طریق ایجاد یک سیستم اجتماعی صحیح و معتبر به تشویق رفتار اخلاقی می‌پردازند (Zhang, 2015). طی سال‌های اخیر، دولت نقش کلیدی در زمینه اقدام‌های اجتماعی همچون افزایش سلامت و رفاه اجتماعی، بهبود چشم‌انداز شغلی عموم افراد جامعه و ایجاد امکانات زندگی برای جوانان داشته است. ارائه خدمات شهروندی بین‌المللی را هم می‌توان به اقدام‌های اجتماعی دولت افزود. نقش دولت در حمایت از بخش خصوصی، خدمات قانونی و جامعه مدنی نیز از جمله فعالیت‌های اجتماعی دولت محسوب می‌شود (Deeming, 2016). یکی از وظایف اجتماعی دولت، ایجاد رفاه همگانی، بهداشت و سلامت جامعه است. دولت، سیاست‌های اجتماعی و راهکارهای گوناگونی مانند نظام‌های بیمه‌ای یا تامین

1. Cook

2. <https://rkj.mcls.gov.ir/fa/moghararaat/ghavanin/ghanoonkeshvari>

اجتماعی را در این حوزه بکار می‌گیرد (Lakshminarayanan, 2011). در قوانین و برنامه‌های تدوین‌شده در ایران نیز وظایف متعددی برای دولت تعریف شده است که وظایف اجتماعی از جمله وظایف مهم و کلیدی دولت محسوب می‌شود. به‌طور کلی در زمینه وظایف اجتماعی دولت، نظریه‌پردازان معتقد هستند که دولت وظیفه دارد رفاه و امنیت عمومی و عدالت اجتماعی را برای جامعه فراهم کند و با اعطای آزادی عمل به جامعه، از فعالیت‌های بخش خصوصی و جامعه مدنی پشتیبانی نماید. برای نمونه طبق اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت وظیفه دارد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان را در حدود قانون تامین نماید، برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، و بی‌سرپرستی را برای همه افراد جامعه ممکن سازد، و از آلودگی و تخریب محیط‌زیست ممانعت کند (Mosallanejad, 2012).

سطوح کنش حاکمیتی

تصمیم‌گیری در خصوص وظایف اجتماعی در سه سطح فرد، سازمان، و سیستم صورت می‌گیرد. سطوح کنش در حاکمیت عملیاتی ناظر بر مدیریت روابط در سطوح فردی، سازمانی، و سیستمی در انجام وظایف دولت است. سهم و نقش هر نقش‌آفرین حاکمیتی در انجام وظایف دولتی مستلزم برقراری مناسبات خاصی میان اشخاص، میان واحدهای سازمانی، و میان سازمان‌هاست که این مناسبات (روابط) باید مدیریت شود تا وظایف قابلیت اجرا پیدا کند (Farrell, 2008). سه سطح کنش حاکمیتی برای تصمیم‌گیری قابل‌تیین است: ۱. سطح فردی: مربوط به سطح خرد است و این سطح، علت حوادث را در تصمیم‌گیرندگان بی‌واسطه در یک کشور جستجو می‌کند، ویژگی‌های افراد تصمیم‌گیرنده را شناسایی می‌کند و به مطالعه تاثیر و نقش ویژگی‌های افراد و تصمیم‌گیران بر رفتار نظام‌های سیاسی می‌پردازد (Farrell, 2008). ۲. سطح سازمانی: به سطح میانی مربوط است و بر روابط، ساختارها، کارکردها و فرایندهای موجود در درون سازمان‌ها و جوامع در میان مدت تمرکز دارد، مثل افزایش مزایای کارکنان توسط کارفرمایان که این تغییرات شامل خط‌مشی‌های درون سازمان است (Newman, 2007). ۳. سطح سیستمی: مرتبط با سطح کلان است. از یک دیدگاه، در این سطح بر روابط بین سازمان‌ها در جامعه تاکید می‌شود و در دیدگاهی جامع‌تر، در این سطح دو موقعیت برای دولت در نظر گرفته می‌شود، شامل موقعیت دولت در نظام بین‌الملل و ساختار داخلی دولت (ارتباط میان اجزای دولت) (Tamaki, 2015).

نقش آفرینان عرصه حاکمیت

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ نقش آفرینان حاکمیتی را شامل بخش دولتی، خصوصی، و تعاونی می‌داند که با طبقه‌بندی فاری^۲ (۲۰۱۵)، و تالر و همکاران^۳ (۲۰۱۹) همخوانی دارد. البته در ادبیات نظری عموماً نقش آفرینان حاکمیتی در سه عرصه بخش عمومی، بخش خصوصی، و بخش سوم طبقه‌بندی می‌شوند (رهنورد، ۱۳۹۰؛ و Hill & Hupe, 2014; Pahl-Wostl, 2019; Alvani, 2009). دولت گروهی از نهادها هستند که علاوه بر مسئولیت‌های سیاسی و حکمرانی، خدمات عمومی را برای مصرف متقابل تأمین می‌کند و به توزیع درآمد و ثروت می‌پردازد. جامعه مدنی عبارت است از گروه‌های رسمی و غیررسمی از شهروندان که به‌طور گروهی در یک جامعه عمومی برای بیان منافع، احساسات و ایده‌های خود، تبادل اطلاعات، دستیابی به اهداف، ایجاد خواسته‌ها از دولت و پاسخگویی مسئولان دولتی اقدام می‌کنند (Akermi & Triki, 2017). و تلاش می‌کنند از حقوق افراد و منافع مشترک حمایت نمایند (Dalziel et al., 2018). بخش خصوصی به سازمان‌هایی گفته می‌شود که یک راهبرد و مأموریت اصلی برای مشارکت در فعالیت‌های سودجویانه داشته باشند، خواه با تولید کالا خواه ارائه خدمات یا تجارت. این بخش شامل موسسه‌های مالی و واسطه‌ها، شرکت‌های کوچک و متوسط، کارآفرینان فردی، کشاورزان، تعاونی‌ها، و شرکت‌های بزرگ است که در بخش‌های رسمی و غیررسمی فعالیت می‌کنند (Belova & Mickiene, 2015).

مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی حدود مداخله نقش آفرینان حاکمیتی در انجام وظایف اجتماعی پرداخته است. هرچند نقش آفرینان حاکمیتی به سه طبقه کلی بخش دولتی، خصوصی، و سوم قابل تقسیم هستند، اما در پژوهش حاضر بخش نظامی^۴ نیز بر اساس نظر خبرگان به نقش آفرینان حاکمیتی اضافه گردید. از سوی دیگر، مطالعه رفتار دولت‌ها و تفویض وظایف به نقش آفرینان حاکمیتی در سطوح مختلف تحلیل یکسان نخواهد بود. هیل و هوپ (۲۰۱۴)، در چارچوب حاکمیت چندگانه سه سطح فرد، سازمان، و سیستم را مطرح می‌کنند. بنابراین، مدل مفهومی پژوهش حاضر از سه بعد تشکیل می‌شود. بُعد اول مدل شامل وظایف اجتماعی دولت است. بُعد دوم

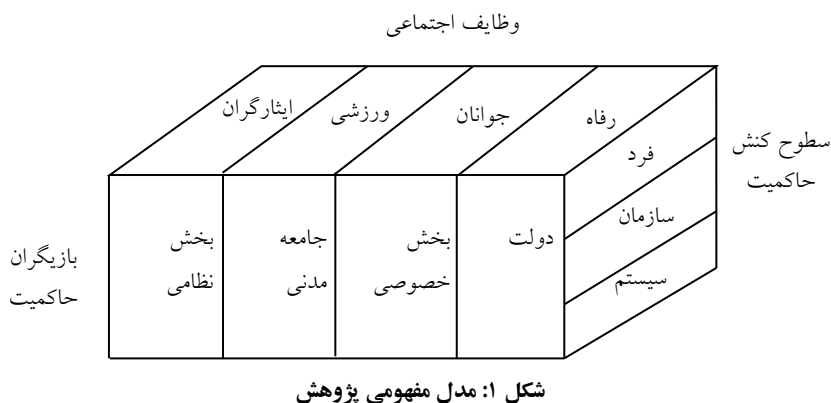
1. https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

2. Fourie

3. Thaler

۴. بخش نظامی با ویژگی‌هایی همچون برخورداری از امتیاز مسلح بودن، داشتن حق استفاده از زور کنترل شده و اجبار برای حفظ امنیت جامعه، در اختیار داشتن حق مالکیت تسلیحات انحصاری، دائمی بودن و داشتن ماهیت قانونی عملیاتی گردید.

نیز نقش آفرینان عرصه حاکمیت را شامل می‌شود. بُعد سوم از سه سطح کنش حاکمیتی شامل سطح فردی (روابط بین فردی)، سطح سازمانی (روابط بین‌سازمانی)، و سطح سیستمی (فرایندهای خط‌مشی) تشکیل شده است (شکل ۱).



روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و از لحاظ طرح پژوهش، توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. از حیث ماهیت داده‌ها نیز از نوع آمیخته (کیفی و کمی) و از نظر بازه زمانی، تک‌مقطعی است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی در حوزه مدیریت دولتی است که از نظر آن‌ها برای شناسایی نقش بازیگران حاکمیتی در زمینه انجام وظایف اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران استفاده شد. خبرگان دانشگاهی بر اساس معیار برخورداری از مدرک دکتری تخصصی و بالاتر در زمینه مدیریت دولتی و داشتن دست‌کم ۱۰ سال سابقه تدریس در این حوزه از میان استادان دانشگاه با رتبه علمی استادیار، دانشیار، و استاد انتخاب شدند. خبرگان حرفه‌ای نیز از میان روسای سازمان‌های دولتی ایران بر اساس معیار برخورداری از دست‌کم ۲۰ سال سابقه کار مرتبط و داشتن دست‌کم ۱۵ سال سابقه مدیریتی انتخاب شدند. در این راستا، تعداد چهار نفر خبره دانشگاهی و چهار نفر خبره سازمانی مورد شناسایی قرار گرفته و برای انجام مصاحبه کیفی انتخاب شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش جمع‌آوری گردید. همچنین، امور اصلی و فرعی و وظایف عمومی و فرعی حاکمیتی از

سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشوری و استانی^۱ استخراج شد. سپس، به منظور تعیین نقش چهار دسته از بازیگران حاکمیتی در انجام وظیفه اجتماعی در سطوح سه‌گانه کنش حاکمیتی، از طریق تشکیل گروه کانونی^۲ از خبرگان مصاحبه کیفی به عمل آمد. در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری شامل مدیران، معاونان و کارکنان سازمان‌های دولتی، خصوصی، مردم‌نهاد، و نظامی است. در هر یک از سازمان‌های مورد مطالعه، پنج نفر از مدیران و کارکنان واجد صلاحیت به روش نمونه در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، از روش میدانی و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. روایی پرسشنامه با روش‌های روایی صوری و محتوایی، و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ارزیابی و تایید شد. برای ساخت مدل کمی از سیستم استنتاج فازی سلسله‌مراتبی با نرم‌افزار متلب استفاده شد. در این روش، به صورت پی در پی و سلسله‌مراتبی از سیستم استنتاج فازی برای سه سطح فرد، سازمان، و سیستم استفاده شده است. مدل استنتاج فازی سلسله‌مراتبی پژوهش از سه مرحله تشکیل شده است. در مرحله اول، شاخص‌های اولیه مدل (نقش بازیگران حاکمیتی) به عنوان متغیر ورودی در نظر گرفته شد. متغیر خروجی در این مرحله، یک شاخص ثانویه شامل امور فرعی (شامل امور ورزشی، جوانان، رفاه، و ایثارگران) است. در مرحله دوم، شاخص‌های ثانویه به عنوان متغیر ورودی وارد سیستم استنتاج فازی شدند و مورد استنتاج قرار گرفتند. خروجی در این بخش، امور اجتماعی است. در مرحله سوم نیز امور اجتماعی در سطوح فرد، سازمان، و سیستم به عنوان متغیرهای ورودی است و متغیر خروجی آن نیز حد بهینه امور اجتماعی دولت است. متغیرهای کلامی عبارات و اصطلاحاتی هستند که در جهت تعیین عدد فازی مشخص شده‌اند. پیش از شروع استنتاج فازی، مقادیر ورودی‌های اولیه بر اساس پرسشنامه‌های پیمایشی از طریق تحلیل توصیفی داده‌ها بر اساس شاخص میانگین در بازه ۱ تا ۱۰ محاسبه شده است. در این مدل، فازی‌سازی متغیرها از طریق تعیین توابع عضویت در بازه ۱ تا ۱۰ انجام شد که در **جدول (۱)** و **(۲)** ارائه گردید.

جدول ۱: افزایش متغیرهای ورودی

متغیرهای کلامی	کم (L)	متوسط (M)	زیاد (H)
عدد فازی	(۲، ۰)	(۲، ۵)	(۲، ۱۰)

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>

2. Focus Group

جدول ۲: افزایشی متغیر خروجی

متغیرهای کلامی بسیار کم (VL)	کم (L)	متوسط (M)	زیاد (H)	بسیار زیاد (VH)
عدد فازی (۰، ۰، ۲/۵)	(۱/۵، ۳، ۴/۵)	(۳/۵، ۵، ۶/۵)	(۵/۵، ۷، ۸/۵)	(۷/۵، ۱۰، ۱۰)

از دانش خبره برای تدوین قواعد فازی استفاده شد. با توجه به زیاد بودن مراحل و قوانین بکاررفته، در این بخش به قوانین مورد استفاده در مرحله آخر اشاره می‌شود. قوانین در **جدول (۳)** ارائه می‌گردد. به گزاره‌های «اگر - آنگاه»، قوانین فازی گفته می‌شود. بخش «اگر» را مقدم و «آنگاه» را نتیجه می‌گویند. در این پژوهش، برای هر مرحله از سیستم استنتاج فازی سلسله‌مراتبی از دانش خبره برای تدوین قواعد فازی استفاده شده است.

جدول ۳: قوانین فازی

شماره قانون	اگر (If)		آنگاه (Then)	
	وظایف اجتماعی در سطح فرد	وظایف اجتماعی در سطح سازمان	وظایف اجتماعی در سطح سیستم	وظایف اجتماعی کلان دولت
۱	زیاد	زیاد	زیاد	بسیار زیاد
۲	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
۳	کم	کم	کم	بسیار کم
۴	زیاد	زیاد	متوسط	زیاد
۵	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد
۶	متوسط	زیاد	زیاد	متوسط
۷	زیاد	زیاد	کم	زیاد
۸	زیاد	کم	زیاد	زیاد
۹	کم	زیاد	زیاد	کم
۱۰	زیاد	متوسط	کم	زیاد
۱۱	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱۲	زیاد	کم	کم	متوسط
۱۳	زیاد	متوسط	متوسط	زیاد
۱۴	متوسط	کم	زیاد	متوسط
۱۵	متوسط	زیاد	کم	متوسط
۱۶	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط

ادامه جدول ۳: قوانین فازی

شماره قانون	اگر (If)		آنگاه (Then)	
	وظایف اجتماعی در سطح فرد	وظایف اجتماعی در سطح سازمان	وظایف اجتماعی در سطح سیستم	وظایف اجتماعی کلان دولت
۱۷	متوسط	متوسط	کم	متوسط
۱۸	متوسط	زیاد	متوسط	متوسط
۱۹	متوسط	کم	متوسط	متوسط
۲۰	متوسط	کم	کم	متوسط
۲۱	کم	زیاد	متوسط	کم
۲۲	کم	متوسط	زیاد	متوسط
۲۳	کم	کم	زیاد	کم
۲۴	کم	کم	متوسط	کم
۲۵	کم	زیاد	کم	کم
۲۶	کم	متوسط	کم	کم
۲۷	کم	متوسط	متوسط	کم

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نتایج پاسخ‌های نهایی خبرگان گروه کانونی در زمینه نقش هر یک از بازیگران حاکمیتی اصلی (دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی، و بخش نظامی) در انجام وظایف اجتماعی برای سطح سیستم در **جدول (۴)**، برای سطح سازمان در **جدول (۵)**، و برای سطح فرد در **جدول (۶)** به‌طور خلاصه ارائه شده است. در هر کدام از این جداول برحسب امور اصلی امور فرعی شناسایی و وظایف عمومی مرتبط در طی جلسات برگزار شده استخراج گردید، و در نهایت نقش‌آفرینان حاکمیتی اصلی در هر کدام از وظایف فرعی (وظایف عملیاتی) مشخص شدند.

جدول ۴: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سیستمی

امور اصلی امور فرعی وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی
ورزش همگانی	تعمیق ورزش همگانی	جامعه مدنی
	نظارت بر فعالیت‌های ورزشی همگانی	دولت
	تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	دولت
امور ورزشی ورزش قهرمانی	ایجاد و اداره باشگاه‌های ورزشی	بخش خصوصی
	مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی شناسایی و پرورش استعدادها و ورزشی	جامعه مدنی دولت
ورزش حرفه‌ای	مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	جامعه مدنی
	پایش ادواری فرهنگ ورزش و تحرک در جامعه	دولت
سامان‌دهی امور جوانان	تهیه و تدوین برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان	دولت
	برجسته‌سازی نیازهای اساسی نسل جوان از طریق پژوهش	جامعه مدنی
	رصد میزان تحقق برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان	دولت
امور جوانان مشارکت‌های اجتماعی جوانان	ارائه برنامه‌های مناسب برای اشتغال جوانان	دولت
	توسعه مشارکت اجتماعی جوانان	جامعه مدنی
	صدور اعتبارنامه برای متقاضیان دریافت مجوز سازمان مردم‌نهاد جوانان، نظارت و توانمندسازی آنان	دولت
امور فرهنگی و تربیتی	ارتقای سهم مشارکت جوانان در امور اجتماعی	دولت
	توانمندسازی جوانان از طریق توسعه فرهنگ ازدواج	دولت
	برنامه‌ریزی برای امور فراغتی جوانان	دولت
تعیین استاندارد برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری جوانان		دولت

۱۵امه جدول ۴: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سیستمی

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	وظایف عمومی	امور اصلی امور فرعی
دولت	برنامه‌ریزی طرح بیمه سلامت	حمایت‌های	
دولت	تدوین سیاست‌های بیمه اجتماعی و نظارت بر آن	بیمه‌ای	
دولت	تدوین خط‌مشی‌های عدالت اجتماعی و سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نظارت بر اجرای آن	حمایتی، توانمندسازی و آسیب‌های اجتماعی	
دولت	تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی		
دولت	ایجاد کمیته‌های حمایتی و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد		
دولت	برنامه‌ریزی برای آمادگی پاسخگویی به حوادث و سوانح	امور رفاه و تامین اجتماعی	امور اجتماعی
جامعه مدنی	نهادینه کردن مشارکت جوانان در فعالیت‌های امدادی	امداد و نجات	
دولت	ایجاد واحدها و تجهیزات پشتیبانی امداد و نجات		
دولت	تدوین خط‌مشی‌های حوزه بهداشت و درمان و سلامت	بهداشت، درمان، و سلامت	
بخش خصوصی	تامین دارو و لوازم مصرفی پزشکی برای آحاد مردم		
بخش خصوصی	تامین تجهیزات پزشکی برای مراکز بهداشتی و درمانی		
دولت	توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و ساختمانی حوزه بهداشت		
بخش خصوصی	مدیریت بحران‌ها		
نظامی	پدافند غیرعامل		

ادامه جدول ۴: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سیستمی

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	امور اصلی امور فرعی وظایف عمومی
دولت	تامین اعتبار برای توانمندسازی و خوداتکایی اینارگران	
دولت	معیشت اینارگران تدوین خط‌مشی مرتبط با تسهیلات رفاهی، معیشتی، بهداشتی، درمانی، و فرهنگی اینارگران و خانواده آنان	
دولت	نظارت بر اجرای قوانین و مقررات اینارگران	
دولت	ترویج فرهنگ معرفتی الگوها و قهرمانان ملی اینار و شهادت در متون درسی کلیه پایه‌های تحصیلی و رسانه‌های جمعی	امور اجتماعی
جامعه مدنی	تعمیق ایمان و ترویج باورها در صیانت از فرهنگ دینی و انقلابی	اینارگران
دولت	پیش‌بینی و تامین بودجه برای خدمات‌رسانی به اینارگران	خدمات‌رسانی به اینارگران
دولت	تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های اینارگران	
دولت	تدوین خط‌مشی استخدام دولتی اینارگران و خانواده آنان	

جدول ۵: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سازمانی

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	امور اصلی امور فرعی وظایف عمومی
جامعه مدنی بخش خصوصی دولت	تعمیق ورزش همگانی نظارت بر فعالیت‌های ورزشی همگانی تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	ورزش همگانی
بخش خصوصی جامعه مدنی بخش خصوصی	ایجاد و اداره باشگاه‌های ورزشی مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی شناسایی و پرورش استعداد‌های ورزشی	امور ورزشی ورزش قهرمانی
جامعه مدنی بخش خصوصی	مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی پایش ادواری فرهنگ ورزش و تحرک در جامعه	ورزش حرفه‌ای
دولت بخش خصوصی بخش خصوصی	تهیه و تدوین برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان برجسته‌سازی نیازهای اساسی نسل جوان از طریق پژوهش رصد میزان تحقق برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان	سامان‌دهی امور جوانان
دولت جامعه مدنی دولت	ارائه برنامه‌های مناسب برای اشتغال جوانان توسعه مشارکت اجتماعی جوانان صدور اعتبارنامه برای متقاضیان دریافت مجوز سازمان مردم‌نهاد جوانان، نظارت و توانمندسازی آنان	امور جوانان مشارکت‌های اجتماعی جوانان
جامعه مدنی دولت جامعه مدنی	ارتقای سهم مشارکت جوانان در امور اجتماعی توانمندسازی جوانان از طریق توسعه فرهنگ ازدواج	امور فرهنگی و تربیتی
جامعه مدنی	برنامه‌ریزی برای امور فراغتی جوانان تعیین استاندارد برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری جوانان	

امور اجتماعی

ادامه جدول ۵: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سازمانی

امور اصلی	امور فرعی	وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی
		حمایت‌های بیمه‌ای	برنامه‌ریزی طرح بیمه سلامت	دولت
			تدوین سیاست‌های بیمه اجتماعی و نظارت بر آن	دولت
		حمایتی، توانمندسازی و آسیب‌های اجتماعی	تدوین خط‌مشی‌های عدالت اجتماعی و سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نظارت بر اجرای آن	دولت
			تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی	دولت
			ایجاد کمیته‌های حمایتی و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد	دولت
			برنامه‌ریزی برای آمادگی پاسخگویی به حوادث و سوانح	دولت
امور رفاه اجتماعی	امور اجتماعی	امداد و نجات	نهادینه کردن مشارکت جوانان در فعالیت‌های امدادی	جامعه مدنی
			ایجاد واحدها و تجهیزات پشتیبانی امداد و نجات	دولت
			تدوین خط‌مشی‌های حوزه بهداشت و درمان و سلامت	دولت
			تامین دارو و لوازم مصرفی پزشکی برای آحاد مردم	دولت
		بهداشت، درمان، و سلامت	تامین تجهیزات پزشکی برای مراکز بهداشتی و درمانی	بخش خصوصی
			توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و ساختمانی حوزه بهداشت	بخش خصوصی
			مدیریت بحران‌ها	دولت
			پدافند غیرعامل	دولت

ادامه جدول ۵: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سازمانی

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	وظایف عمومی	امور اصلی امور فرعی	امور اجتماعی
دولت	تامین اعتبار برای توانمندسازی و خودانکایی ایثارگران			
دولت	تدوین خط‌مشی مرتبط با تسهیلات رفاهی، معیشتی، بهداشتی، درمانی، و فرهنگی ایثارگران و خانواده‌آنان	معیشت ایثارگران		
دولت	نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ایثارگران			
دولت	تعمیق ایمان و ترویج باورها در صیانت از فرهنگ دینی و انقلابی	معرفی الگوها و قهرمانان ملی ایثار و شهادت در متون درسی کلیه پایه‌های تحصیلی و رسانه‌های جمعی	ترویج فرهنگ ایثار و شهادت	امور ایثارگران
جامعه مدنی	پیش‌بینی و تامین بودجه برای خدمات‌رسانی به ایثارگران			
دولت	تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های ایثارگران	خدمات‌رسانی به ایثارگران		
جامعه مدنی	تدوین خط‌مشی استخدام دولتی ایثارگران و خانواده‌آنان			

جدول ۶: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح فردی

امور اصلی	امور فرعی	وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی
			تعمیق ورزش همگانی	جامعه مدنی
		ورزش همگانی	نظارت بر فعالیت‌های ورزشی همگانی	بخش خصوصی
			تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	دولت
	امور ورزشی	ورزش قهرمانی	ایجاد و اداره باشگاه‌های ورزشی	بخش خصوصی
			مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	جامعه مدنی
			شناسایی و پرورش استعدادها و ورزشی	جامعه مدنی
		ورزش حرفه‌ای	مشارکت در تدوین خط‌مشی‌های ورزشی	جامعه مدنی
			پایش ادواری فرهنگ ورزش و تحرک در جامعه	بخش خصوصی
			تهیه و تدوین برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان	دولت
		سامان‌دهی امور جوانان	برجسته‌سازی نیازهای اساسی نسل جوان از طریق پژوهش	جامعه مدنی
			پایش و رصد میزان تحقق برنامه جامع سامان‌دهی امور جوانان	بخش خصوصی
			ارائه برنامه‌های مناسب برای اشتغال جوانان	دولت
	امور جوانان	مشارکت‌های اجتماعی جوانان	توسعه مشارکت اجتماعی جوانان	جامعه مدنی
			صدور اعتبارنامه برای متقاضیان دریافت مجوز سازمان مردم‌نهاد جوانان، نظارت و توانمندسازی آنان	دولت
			ارتقای سهم مشارکت جوانان در امور اجتماعی	جامعه مدنی
			توانمندسازی جوانان از طریق توسعه فرهنگ ازدواج	جامعه مدنی
	امور فرهنگی و تربیتی		برنامه‌ریزی برای امور فراغتی جوانان	جامعه مدنی
			تعیین استاندارد برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری جوانان	جامعه مدنی

امور اجتماعی

ادامه جدول ۶: پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح فردی

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	وظایف عمومی	امور فرعی	امور اصلی
دولت	برنامه‌ریزی طرح بیمه سلامت	حمایت‌های بیمه‌ای		
دولت	تدوین سیاست‌های بیمه اجتماعی نظارت بر آن			
دولت	تدوین خط‌مشی‌های عدالت اجتماعی و سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نظارت بر اجرای آن	حمایتی، توانمندسازی و آسیب‌های اجتماعی		
دولت	تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی			
جامعه مدنی	ایجاد کمیته‌های حمایتی و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد			
جامعه مدنی	برنامه‌ریزی برای آمادگی پاسخگویی به حوادث و سوانح			
جامعه مدنی	نهادینه کردن مشارکت جوانان در فعالیت‌های امدادی	امداد و نجات	امور رفاه و تامین اجتماعی	امور ایجاد مشارکت
بخش خصوصی	ایجاد واحدها و تجهیزات پشتیبانی امداد و نجات			
دولت	تدوین خط‌مشی‌های حوزه بهداشت و درمان و سلامت			
بخش خصوصی	تامین دارو و لوازم مصرفی پزشکی برای آحاد مردم			
بخش خصوصی	تامین تجهیزات پزشکی برای مراکز بهداشتی و درمانی	بهداشت، درمان، و سلامت		
بخش خصوصی	توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و ساختمانی حوزه بهداشت			
جامعه مدنی	مدیریت بحران‌ها			
جامعه مدنی	پدافند غیرعامل			

نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	وظایف عمومی	امور فرعی	امور اصلی
دولت	تامین اعتبار برای توانمندسازی و خوداتکایی ایثارگران			
دولت	تدوین خط‌مشی مرتبط با تسهیلات رفاهی، معیشتی، بهداشتی، درمانی، و فرهنگی ایثارگران و خانواده آنان	معیشت ایثارگران		
دولت	نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ایثارگران			
دولت	معرفی الگوها و قهرمانان ملی ایثار و شهادت در متون درسی کلیه پایه‌های تحصیلی و رسانه‌های جمعی	ترویج فرهنگ ایثار و شهادت	امور ایثارگران	ترویج فرهنگ ایثار و شهادت
جامعه مدنی	تعمیق ایمان و ترویج باورها در صیانت از فرهنگ دینی و انقلابی			
دولت	پیش‌بینی و تامین بودجه برای خدمات‌رسانی به ایثارگران	خدمات‌رسانی به ایثارگران		
جامعه مدنی	تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های ایثارگران			
دولت	تدوین خط‌مشی استخدام دولتی ایثارگران و خانواده آنان			

سیستم استنتاج فازی سلسله‌مراتبی

سیستم استنتاج فازی در سطح فرد

استنتاج فازی برای متغیر امور ورزشی: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی $9/25$ ، بخش خصوصی $7/6$ ، و دولت 3 است، امتیاز قطعی برای امور ورزشی $7/17$ است. بنابراین، این عوامل در ارتقای امور ورزشی موثر هستند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید جامعه مدنی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

استنتاج فازی برای متغیر امور جوانان: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی $8/35$ ، بخش خصوصی 7 ، و برای دولت $5/3$ است، امتیاز قطعی برای امور جوانان $7/05$ است. بنابراین، می‌توان گفت که هر سه عامل در ارتقای امور جوانان نقش دارند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید جامعه مدنی و بخش خصوصی در مقایسه با دولت نقش محوری داشته باشند.

استنتاج فازی برای متغیر رفاه و امور اجتماعی: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی $8/1$ ، بخش خصوصی $7/15$ ، و دولت $4/5$ است، امتیاز قطعی برای رفاه و امور اجتماعی $7/34$ است. بنابراین، هر سه عامل در ارتقای رفاه و امور اجتماعی نقش دارند و تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید جامعه مدنی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

استنتاج فازی برای متغیر امور ایثارگران: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی $7/67$ ، بخش خصوصی $6/5$ ، و دولت $6/2$ است، امتیاز قطعی برای امور ایثارگران $6/29$ است. بنابراین، هر سه عامل در ارتقای امور ایثارگران نقش دارند و تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید جامعه مدنی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای امور اجتماعی: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای امور ورزشی $7/17$ ، جوانان $7/05$ ، رفاه $7/34$ ، و ایثارگران $6/29$ است، امتیاز قطعی برای امور اجتماعی $7/45$ است. بنابراین، هر چهار عامل در ارتقای امور اجتماعی نقش دارند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که رفاه بیش‌ترین تاثیر را بر امور اجتماعی دارد و امور ورزشی، جوانان، و ایثارگران به‌ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

سیستم استنتاج فازی در سطح سازمان

استنتاج فازی برای متغیر امور ورزشی: از آن جایی که امتیاز به دست آمده برای نقش جامعه مدنی $۸/۳$ ، بخش خصوصی $۸/۷۵$ ، و دولت ۵ است، امتیاز قطعی برای امور ورزشی $۸/۷۲$ است. بنابراین، عوامل اشاره شده در ارتقای امور ورزشی موثر هستند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که در وضعیت بهینه باید بخش خصوصی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای متغیر امور جوانان: از آن جایی که امتیاز نقش جامعه مدنی $۷/۵$ ، بخش خصوصی $۷/۶$ ، و دولت $۴/۳$ است، امتیاز قطعی برای امور جوانان $۷/۸۷$ است. بنابراین، هر سه عامل در ارتقای امور جوانان نقش دارند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که در وضعیت بهینه باید بخش خصوصی و جامعه مدنی در مقایسه با دولت نقش محوری داشته باشند.

نتایج استنتاج فازی برای متغیر رفاه و امور اجتماعی: از آن جایی که امتیاز جامعه مدنی ۷ ، بخش خصوصی $۷/۳۴$ ، و دولت $۶/۹۶$ است، امتیاز قطعی برای رفاه و امور اجتماعی ۷ است. بنابراین، هر سه عامل در ارتقای رفاه نقش دارند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که در وضعیت بهینه باید بخش خصوصی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای متغیر امور ایثارگران: از آن جایی که امتیاز به دست آمده برای نقش جامعه مدنی $۶/۵$ و برای دولت $۶/۸$ است، امتیاز قطعی برای امور ایثارگران $۶/۶$ است. بنابراین، هر دو عامل در ارتقای امور ایثارگران در سطح سازمان نقش دارند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که در وضعیت بهینه باید دولت در مقایسه با دو جامعه مدنی نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای امور اجتماعی: از آن جایی که امور ورزشی $۸/۷۲$ ، جوانان $۷/۸۷$ ، رفاه ۷ ، و ایثارگران $۶/۶$ است، امتیاز امور اجتماعی $۷/۷۵$ است. بنابراین، هر چهار عامل در ارتقای امور اجتماعی نقش دارند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که ارتقای رفاه بیشترین تاثیر را بر امور اجتماعی دارد و پس از آن امور جوانان، ورزشی، و ایثارگران در اولویت های بعدی قرار دارند.

سیستم استنتاج فازی در سطح سیستم

نتایج استنتاج فازی برای متغیر امور ورزشی: از آن جایی که امتیاز به دست آمده برای نقش جامعه مدنی $۷/۳۴$ ، بخش خصوصی ۵ ، و دولت $۸/۷۵$ است، امتیاز قطعی برای امور ورزشی $۷/۹۶$ است. بنابراین، این عوامل در ارتقای امور ورزشی در سطح سیستم اثرگذار هستند. تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می دهد که در وضعیت بهینه باید دولت در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته باشد.

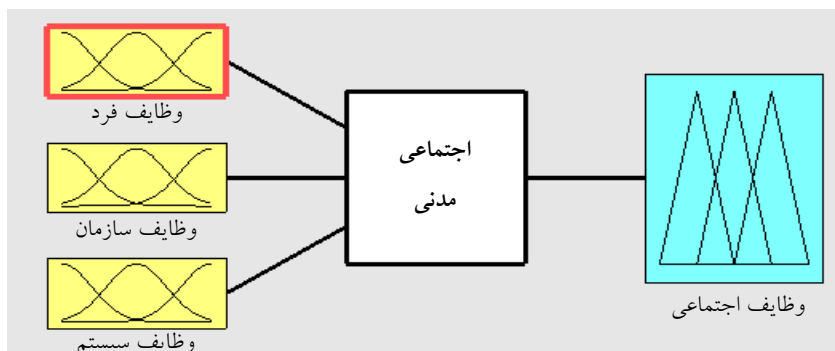
نتایج استنتاج فازی برای متغیر امور جوانان: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی ۶/۳۴ و دولت ۷/۱۳ است، امتیاز قطعی برای امور جوانان ۶/۸۴ است. بنابراین، هر دو عامل در ارتقای امور جوانان در سطح سیستم نقش دارند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید دولت در مقایسه با جامعه مدنی نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای متغیر رفاه و امور اجتماعی: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی ۸، بخش خصوصی ۷، دولت ۸/۷۵، و بخش نظامی ۸ است، امتیاز قطعی برای رفاه و امور اجتماعی ۸/۷۲ است. بنابراین، هر چهار عامل در ارتقای رفاه و امور اجتماعی دارند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید دولت نقش محوری داشته باشد.

نتایج استنتاج فازی برای متغیر امور ایثارگران: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای نقش جامعه مدنی ۶/۶۴ و دولت ۷/۵۷ است، امتیاز قطعی برای امور ایثارگران ۷/۲۷ است. بنابراین، می‌توان گفت که هر دو عامل در ارتقای امور ایثارگران در سطح سیستم نقش دارند. در سطح سیستم، خبرگان نقشی را برای نظامیان و بخش خصوصی در امور ایثارگران قائل نشده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید دولت در مقایسه با جامعه مدنی نقش محوری داشته باشد.

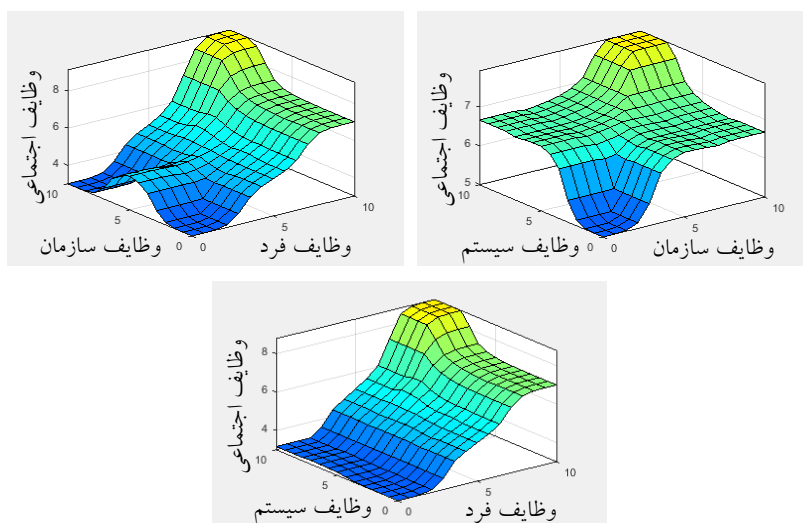
نتایج استنتاج فازی برای امور اجتماعی: از آن جایی که امتیاز به‌دست‌آمده برای امور ورزشی ۷/۹۶، جوانان ۶/۸۴، رفاه ۸/۷۲، و ایثارگران ۷/۲۷ است، امتیاز قطعی برای امور اجتماعی ۸/۶۱ است. بنابراین، هر چهار عامل در ارتقای امور اجتماعی نقش دارند. تحلیل سه‌بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که رفاه بیش‌ترین تاثیر را بر امور اجتماعی دارد و امور ورزشی در رتبه بعدی قرار دارد. امور جوانان و ایثارگران به‌طور یکسان در اولویت سوم جای می‌گیرند.

استنتاج فازی برای وظایف اجتماعی دولت: در این مرحله، مدل نهایی که نشان‌دهنده حد بهینه وظایف اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران است، ارائه می‌گردد. مدل اشاره‌شده که از تجمیع امور اجتماعی در سطوح کنش حاکمیتی به‌دست آمده است، از نوع چند ورودی و یک خروجی است که در آن، امور اجتماعی در سطح فرد، در سطح سازمان، و در سطح سیستم به عنوان متغیرهای ورودی و وظایف اجتماعی دولت نیز به عنوان متغیر خروجی در نظر گرفته شده است. در این مرحله، استنتاج فازی به وسیله ۲۷ قانون فازی و بر اساس روش ممدانی انجام شد. نمای کلی این مدل در نرم‌افزار متلب در شکل (۲) نمایش داده می‌شود.



شکل ۲: نمای کلی استنتاج فازی برای وظایف اجتماعی دولت

از آنجایی که امتیاز به دست آمده برای امور اجتماعی در سطح فرد $7/45$ ، در سطح سازمان $7/75$ ، و در سطح سیستم $8/61$ است، امتیاز قطعی برای وظایف اجتماعی دولت برابر $6/99$ است. بنابراین، می‌توان گفت که هر سه عامل در ارتقای وظایف اجتماعی دولت نقش موثری دارند. بر اساس شکل (۳) می‌توان نتیجه گرفت که ارتقای امور اجتماعی در سه سطح فرد، سازمان، و سیستم به بهینه شدن وظایف اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود. امور اجتماعی در سطح فرد بیش‌تر از دو سطح دیگر بر انجام بهینه وظایف اجتماعی دولت اثرگذار است و از این لحاظ، امور اجتماعی در سطح سازمان و سیستم به‌طور یکسان در اولویت بعدی قرار دارند.



شکل ۳: رفتار وظایف اجتماعی دولت

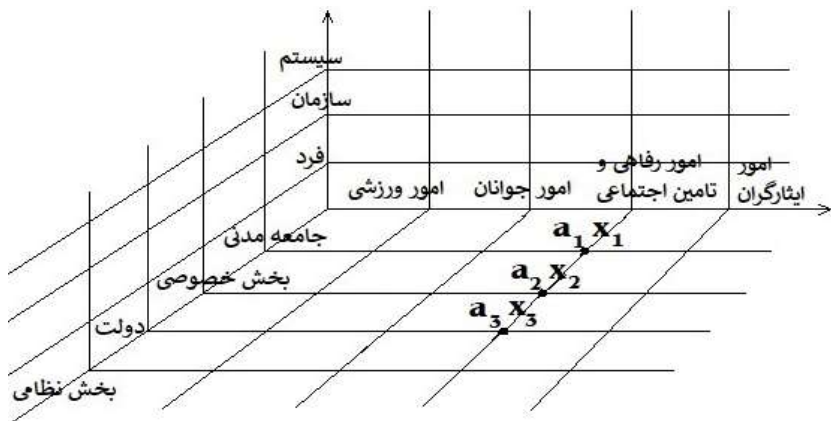
اعتبار سنجی مدل

در این پژوهش، اعتبارسنجی مدل شبیه‌سازی با روش اعتبارسنجی داده‌ها و اعتبارسنجی مدل مفهومی انجام شد. در اعتبارسنجی داده، بررسی داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که داده‌های مقنود وجود نداشته و همه داده‌ها در طیف مجاز انتخاب شده‌اند. بنابراین داده‌های گردآوری شده معتبر هستند. اعتبارسنجی مدل مفهومی پژوهش با روش تحلیل حساسیت انجام شد. برای این منظور، مقدار متغیرهای ورودی در بازه‌های یکسان تغییر داده شد و تاثیر آن‌ها بر مقدار متغیر خروجی بررسی شد. بر اساس **جدول (۷)**، تغییر در مقدار ورودی‌ها باعث تغییر در میزان خروجی شده است و می‌توان گفت که خروجی نسبت به تغییر ورودی‌ها حساس است. بنابراین، می‌توان اعتبار مدل مفهومی پژوهش را تایید نمود.

جدول ۷: میزان حساسیت خروجی به تغییر ورودی‌ها

مقدار ورودی‌ها در سطوح سه‌گانه	۱	۳	۵	۷	۹
مقدار خروجی در ازای تغییر ورودی در سطح فرد	۰/۸۹	۳/۱۴	۵/۰۲	۶/۹۸	۸/۷۹
مقدار خروجی در ازای تغییر ورودی در سطح سازمان	۱/۰۳	۳/۶۲	۵	۷/۱۲	۹/۱
مقدار خروجی در ازای تغییر ورودی در سطح سیستم	۱/۹۳	۲/۷۹	۵	۷/۲۳	۸/۸۵

مدل ریاضی پژوهش در **شکل (۴)** ارائه می‌گردد. در این مدل، i نشان‌دهنده امور رفاهی، ورزشی، جوانان، و ایثارگران و z نشان‌دهنده نقش آفرینان حاکمیت است. در **شکل (۴)** a_1 نشان می‌دهد که در سطح فرد، اولویت با امور رفاه و تامین اجتماعی است که (در حوزه اجرای خطمشی) باید به جامعه مدنی واگذار شود. a_2 بیان می‌کند که در سطح سازمان، اولویت با امور رفاه و تامین اجتماعی است که (در حوزه طراحی سازوکارهای عملیاتی) باید به بخش خصوصی واگذار شود، و در سطح سیستم نیز اولویت با امور رفاه و تامین اجتماعی است که (در حوزه تدوین خطمشی) باید به دولت واگذار شود.



شکل ۴: مدل ریاضی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، وظایف اجتماعی دولت ایران با امور فرعی همچون امور ورزشی (متشکل از وظایف عمومی مانند ورزش همگانی، قهرمانی، و حرفه‌ای)، امور جوانان (شامل سامان‌دهی امور جوانان، مشارکت‌های اجتماعی جوانان، امور فرهنگی، و تربیتی)، امور رفاه و تامین اجتماعی (حمایت‌های بیمه‌ای، حمایتی، توانمندسازی و آسیب‌های اجتماعی، امداد و نجات، بهداشت و درمان و سلامت)، و امور ایثارگران (شامل معیشت ایثارگران، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، خدمات‌رسانی به ایثارگران) شناسایی شده است. بررسی نقش بازیگران حاکمیتی در امور فرعی در سطح فرد نشان می‌دهد که در زمینه اموری همچون امور ورزشی، جوانان، رفاه و امور اجتماعی، و ایثارگران بازیگران حاکمیتی از قبیل بخش‌های دولتی، خصوصی، و جامعه مدنی نقش‌آفرین هستند. اما در وضعیت بهینه، جامعه مدنی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری داشته است. با توجه به این‌که در سطح فرد، انجام امور مذکور نیازمند بیش‌ترین سطح تماس با جامعه است و افراد در آن نقش محوری دارند و نیز فرهنگ‌سازی و استفاده از بیش‌ترین توان عمومی پایه و اساس انجام این وظایف است، واگذاری چنین وظایفی به جامعه مدنی می‌تواند اثربخش‌تر و کارآمدتر باشد. از آن‌جایی که سطح فرد، سطح اجراست و از ویژگی‌های عملیاتی برخوردار است و نیز خط اول آن، همه افراد جامعه است، جامعه مدنی به عنوان نقش‌آفرین محوری و اصلی در سطح فرد مطرح می‌شود.

همچنین در سطح سازمان، در خصوص امور ورزشی، جوانان، رفاه و امور اجتماعی بازیگران حاکمیتی از قبیل بخش دولتی، خصوصی، و جامعه مدنی نقش آفرین هستند. اما در وضعیت بهینه، بخش خصوصی در مقایسه با دو بخش دیگر نقش محوری دارد. در زمینه امور ایثارگران نیز دولت و جامعه مدنی نقش آفرین هستند، اما در وضعیت بهینه، دولت از نقش محوری برخوردار است. زیرا، دولت با داشتن منابع و امکانات لازم می‌تواند در ایجاد سازوکارهای مورد نیاز برای انجام امور ایثارگران موفق‌تر عمل کند. جامعه مدنی به دلیل برخوردار نبودن از امکانات و شرایط لازم و بخش خصوصی به دلیل نبود سودآوری و جذابیت مالی امکان ورود به این بخش را نخواهند داشت. در مجموع می‌توان گفت که در سطح سازمان، نقش خصوصی در انجام بهینه وظایف حاکمیت پررنگ‌تر است. در این سطح، از آن‌جایی که هدف اصلی ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرای خط‌مشی‌های حاکمیتی است، شایسته است که انجام امور به بخش خصوصی واگذار شود، زیرا این بخش سرعت عمل و رقابت‌پذیری بیش‌تر و بهره‌وری بالاتری در زمینه ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرای خط‌مشی‌ها در سطح سازمان دارد و شرایط نظارت بر نحوه اجرای امور مورد نظر را برای دولت فراهم می‌سازد.

در سطح سیستم نیز در زمینه انجام اموری از قبیل امور ورزشی، جوانان، و ایثارگران سه بازیگر حاکمیتی شامل دولت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی نقش دارند و در امور رفاه و تامین اجتماعی، علاوه بر بازیگران مذکور، بخش نظامی نیز در حوزه بهداشت و درمان در شرایط خاص از طریق پدافند غیرعامل نقش آفرین است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح سیستم، هر چهار بازیگر حاکمیتی شامل دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی، و بخش نظامی در انجام وظایف اجتماعی دولت نقش آفرین هستند. اما در وضعیت بهینه، دولت در مقایسه با سایر نقش آفرینان نقش محوری دارد. با توجه به این‌که سطح سیستم سطح تدوین خط‌مشی‌هاست، باید تدوین خط‌مشی‌های کلان کشور توسط دولت تدوین شود تا دولت در قبال این خط‌مشی‌ها پاسخگو باشد و بر اجرای امور و وظایف حاکمیت نظارت نماید.

در هر سه سطح کنش حاکمیتی، رفاه بیش‌ترین تاثیر را بر انجام امور اجتماعی دارد. امور اجتماعی در سطح فرد بیش‌تر از سطوح دیگر بر انجام بهینه وظایف اجتماعی دولت اثرگذار است و از این لحاظ، سطح سازمان و سیستم به‌طور یکسان در اولویت بعدی قرار دارند. می‌توان دلیل اولویت انجام امور اجتماعی در سطح فرد نسبت به سایر سطوح کنش حاکمیتی را این‌گونه توجیه نمود که خط‌مشی‌ها و سازوکارهای تدوین‌شده احتمالاً متنوع و مناسب هستند، اما این خط‌مشی‌ها در مرحله اجرا با مشکل مواجه می‌شوند. بنابراین، خروجی و نتیجه اجرا با آنچه که از خط‌مشی‌های

تدوین می‌شود و از سازوکارهای طراحی شده انتظار می‌رود، همخوانی ندارد و شکاف میان این دو مشهود است. بنابراین، سطح فرد که مربوط به اجراست، نقش بسیار مهمی در بهینه‌سازی وظایف اجتماعی دولت ایفا می‌کند و دولت تلاش می‌کند در سطح سازمان و فرد کوچک‌تر شود.

نتایج پژوهش از نظر تعامل میان سه نقش‌آفرین حاکمیتی شامل دولت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی و مشارکت فعال هر سه بخش در اجرای بهینه و کارآمد وظایف کلان دولت با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌های صورت گرفته توسط رهنورد (۱۳۹۰)، مک‌لاکلین^۱ (۲۰۱۱)، لویس^۲ (۱۹۹۹)، و کلارک^۳ (۱۹۹۵) سازگاری دارد. اما برخلاف نتایج پژوهش لویس (۱۹۹۹) که بر اهمیت نقش دولت نسبت به نقش سایر بازیگران تاکید دارد، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اولویت نقش جامعه مدنی نسبت به نقش دولت، بخش خصوصی، و بخش نظامی است. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در سطح فرد، اجرای امور اجتماعی دولت به جامعه مدنی واگذار شود. به منظور انجام هر چه بهتر و اثربخش وظایف توسط جامعه مدنی در سطح فرد نیاز است که سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی و توانمندسازی تقویت شوند. در سطح سازمان نیز بهتر است طراحی سازوکارهای عملیاتی لازم برای اجرای امور اجتماعی به بخش خصوصی واگذار گردد. واگذاری موفقیت‌آمیز سازوکارهای عملیاتی به بخش خصوصی نیازمند تقویت مدیریت، مشارکت‌پذیری، و شایسته‌سالاری در این بخش و همچنین نظارت دقیق از جانب دولت است. همچنین، پیشنهاد می‌گردد در سطح سیستم که در حوزه تدوین خط‌مشی‌های حاکمیتی است، امور اجتماعی به دولت واگذار شود. به منظور تدوین خط‌مشی‌های مناسب، دولت باید از طریق گفتگو و مذاکره با سایر سطوح و سازمان‌ها و با نگاه به سطح اجرا، خط‌مشی‌های مناسب را تدوین نماید تا قابلیت اجرای اثربخش را داشته باشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بر اساس منابع پیش‌تر، سایر دسته‌بندی‌های ممکن در زمینه وظایف کلان دولت شناسایی شوند و در مدل لحاظ گردند، و مدل جامع‌تری در زمینه موضوع پژوهش ارائه شود. توصیه می‌گردد در پژوهش‌های آینده، تفاوت‌های موجود در انواع سازمان‌ها نیز در مدل پژوهش آورده شود و اجرای بهینه خط‌مشی‌های حاکمیت در سازمان‌های مختلف با در نظر گرفتن تفاوت‌های سازمانی (شامل فرهنگ سازمانی و سایر دسته‌بندی‌های سازمانی) مورد مطالعه و آزمون قرار گیرند.

1. McLoughlin
2. Lewis
3. Clark

الف) انگلیسی

- Akermi, R., & Triki, A. (2017). The Green Energy Transition and Civil Society in Tunisia: Actions, Motivations and Barriers. *Energy Procedia*, 136(1), 79-84. <https://doi.org/10.1016/j.egypro.2017.10.288>
- Alvani, S. M. (2009). Good Governance: A Network of Civil Society Interactors. *Journal of Development & Evolution Management*, 1388 (pre. no. 1), 1-6. http://www.jdem.ir/article_301.html
- Belova, J., & Mickiene, R. (2015). Formation of the Effectiveness of Public and Private Sector Companies of the Maritime Industry Based on an Integrated Analysis of Financial Results. *Intellectual Economics*, 9(1), 8-21. <https://doi.org/10.1016/j.intele.2015.09.001>
- Bevilacqua, C., Ou, Y., Pizzimenti, P., & Minervino, G. (2020). New Public Institutional Forms and Social Innovation in Urban Governance: Insights from the "Mayor's Office of New Urban Mechanics" (MONUM) in Boston. *Sustainability*, 12(1), 23-47. <https://doi.org/10.3390/su12010023>
- Bryson, J., & George, B. (2020). Strategic Management in Public Administration. In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
- Clark, J. (1995). The State, Popular Participation, and the Voluntary Sector. *World Development*, 23(4), 593-601. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(94\)00147-Q](https://doi.org/10.1016/0305-750X(94)00147-Q)
- Cook, T. I. (1948). The Functions of Modern Government: A Reinterpretation. *Western Political Quarterly*, 1(1), 16-28. <https://doi.org/10.1177/106591294800100102>
- Cudworth, E., Hall, T., & McGovern, J. (2007). *The Modern State: Theories and Ideologies*: Edinburgh University Press.
- Dalziel, P., Saunders, C., & Saunders, J. (2018). Civil Society and Social Capital. In *Wellbeing Economics* (pp. 67-87): Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-93194-4_4
- Deeming, C. (2016). Rethinking Social Policy and Society. *Social Policy and Society*, 15(2), 159-175. <https://doi.org/10.1017/S1474746415000147>
- Donath, L., Miloş, M., & Miloş, L. (2009). Public Investment and Economic Growth in the European Union Member States. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 26(1), 39-53.
- Du, J., Li, W., Lin, B., & Wang, Y. (2018). Government Integrity and Corporate Investment Efficiency. *China Journal of Accounting Research*, 11(3), 213-232. <https://doi.org/10.1016/j.cjar.2017.03.002>
- Farrell, M. (2008). Perspectives on International Relations: Power, Institutions,

- and Ideas. *Journal of International Relations and Development* 11(1), 78–80. <https://doi.org/10.1057/palgrave.jird.1800150>
- Fourie, D. J. (2015). Good Governance in Public-Private Partnerships Approaches and Applications: A South African Perspective. *African Journal of Public Affairs*, 8(1), 106-118. <http://hdl.handle.net/2263/52474>
- Herrera, M. E. B. (2015). Creating Competitive Advantage by Institutionalizing Corporate Social Innovation. *Journal of Business Research*, 68(7), 1468-1474. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2015.01.036>
- Hill, M., & Hupe, P. (2014). *Implementing Public Policy: An Introduction to the Study of Operational Governance*: Sage.
- Ilyin, M., Khavenson, T., Meleshkina, E., Stukal, D., & Zharikova, E. (2012). Factors of Post-Socialist Stateness. *Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP*, 3. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2020937>
- Keping, Y. (2018). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8. <https://doi.org/10.1007/s40647-017-0197-4>
- Lakshminarayanan, S. (2011). Role of Government in Public Health: Current Scenario in India and Future Scope. *Journal of Family and Community Medicine*, 18(1), 26-30.
- Lee, K. (2010). Civil Society Organizations and the Functions of Global Health Governance: What Role within Intergovernmental Organizations? *Global Health Governance: The Scholarly Journal for the New Health Security Paradigm*, 3(2), 1-21.
- Lewis, J. (1999). Reviewing the Relationship between the Voluntary Sector and the State in Britain in the 1990s. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 10(3), 255-270. <https://doi.org/10.1023/A:1021257001466>
- Mcloughlin, C. (2011). Factors Affecting State–Non–Governmental Organization Relations in Service Provision: Key Themes from the Literature. *Public Administration and Development*, 31(4), 240-251. <https://doi.org/10.1002/pad.611>
- Mosallanejad, A. (2012). Economic Policy and Social Responsibility of Government. *Politics Quarterly*, 42(1), 311-331. <https://dx.doi.org/10.22059/jpq.2012.29942>
- Neuman, L. W. (2007). *Social Research Methods*, 6/E: Pearson Education India.
- Pahl-Wostl, C. (2019). The Role of Governance Modes and Meta-Governance in the Transformation towards Sustainable Water Governance. *Environmental Science & Policy*, 91(1), 6-16. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2018.10.008>
- Qiao, M., Ding, S., & Liu, Y. (2019). Fiscal Decentralization and Government Size: The Role of Democracy. *European Journal of Political Economy*, 59(1), 316-330. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2019.04.002>

- Tamaki, T. (2015). *The Levels of Analysis of the International System*: In *Encounters with World Affairs*: Routledge.
- Thaler, G. M., Viana, C., & Toni, F. (2019). From Frontier Governance to Governance Frontier: The Political Geography of Brazil's Amazon Transition. *World Development*, 114(1), 59-72. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.09.022>
- Ventriss, C., Perry, J. L., Nabatchi, T., Milward, H. B., & Johnston, J. M. (2019). Democracy, Public Administration, and Public Values in an Era of Estrangement. *Perspectives on Public Management and Governance*, 2(4), 275-282. <https://doi.org/10.1093/ppmgov/gvz013>
- Xiang, J. (2020). Market Disputes and Government Intervention: An Explanatory Framework of Risk Transformation. *The Journal of Chinese Sociology*, 7(1), 1-24. <https://doi.org/10.1186/s40711-020-0115-z>
- Zhang, W. (2015). *Market and Government*: Northwestern University Press.

ب) فارسی

- لوانی، سیدمهدی، و مبصر، داریوش (۱۳۹۲). بررسی آثار راهبردهای مدیریت دولتی نوین بر سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۳(۱۲)، ۲۳-۴۸.
- بیان، حسام‌الدین (۱۳۶۹). نقش سیاستگذاری استراتژیک در مدیریت دولتی. *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، ۴(۴)، ۱۷-۲۹. <http://jmdp.ir/article-1-709-fa.html>
- رهنورد، فرج‌اله (۱۳۹۰). الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴. *نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۲(۶)، ۴۳-۵۸. http://jpap.sbu.ac.ir/article_94395.html
- علوی، سیدامین‌اله (۱۳۶۸). تحولات و نوآوری‌های مدیریت دولتی و سازگار ساختن آن با محیط‌های اجتماعی و اقتصادی گوناگون. *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، ۳(۳)، ۲۷-۴۹. jmdp.ir/article-1-804-fa.html